

Natural Monopoly Caused by Information Technology in the International Banking Network

Mahmoud Bagheri	Associate Professor, Department of Islamic and private law, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Iran.
Saeed Rahmani*	LL.M..Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Iran.
Yasamin Afshari Fard	LL.M.Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Iran.

Abstract

With the emergence of the age of explosion of information and communication, all aspects of human life were affected by this. In such a way that the use of technology has become one of the inseparable parts of today's world. With the expansion of global trade, the need for advanced systems for monetary and financial exchanges was felt more. With the remarkable progress of information and communication technology, banking networks have decided to facilitate and develop their calls and orders regarding financial transactions by creating infrastructures based on information and communication technology. In this, financial messenger systems have been of special importance, because in fact, these systems are the main infrastructure of establishing communication between domestic and international banks. Also, these systems are used for large financial transactions such as issuing letters of credit and guarantees. The most famous international example of these systems is the SWIFT network, which is the most extensive financial messaging network where almost all banks in the world are in contact with each other through the infrastructure and language of this network. Due to the unique features that SWIFT has compared to other financial transfer networks and methods, it can be said that the monopoly of financial messaging networks is in the hands of this financial messaging network. This means that returning to bilateral methods or creating a parallel platform is impractical and

* corresponding author: saeedrahmani@ut.ac.ir

How to Cite: Bagheri, M., Rahmani, S., & Afsharifard, Y. (2023). Natural Monopoly Caused by Information Technology in the International Banking Network. *Private Law Research*, 12(45), 177-205. doi: 10.22054/jplr.2024.73741.2747.

uneconomical. On the other hand, in different systems, governments regulate regulations based on various motives, such as limiting the economic power of a company, securing the interests of a particular company, or even for political exploitation. One of the ways to achieve this goal, the public institutions regulating the sectoral regulations, in order to provide safe and continuous public services to the citizens, protect the rights of consumers and investors, and also use the order as much as possible in the way of the interaction of the players of the markets in question. The distinctive feature of the recognition of sector regulations should be considered as the monopoly of these regulations in the market and the constituent sectors. Therefore, it is considered the main inspection of non-competitive markets that the government enters this sector with the title of "regulator". That is, the government intervenes by using the policy of economic regulation and in the form of sectoral regulatory institutions, in order to, on the one hand, support the consumers by bringing the performance closer to the optimal conditions, and on the other hand, prevent the spread of inefficiency and economic anomalies. In this case, the purpose of sector regulatory institutions and economic regulation systems is to regulate the activities of natural monopolies, especially public benefit industries and services, to protect the interests of consumers and improve efficiency. Thus, by creating economic regulation systems, the government tries to simulate a competitive market in a way, and by imposing regulatory regulations, it forces the relevant monopolies to act like a competitive market. Natural monopoly and the creation of a banking messaging unit network for financial exchanges and transfers have led to a sharp reduction in transaction costs for banks. In other words, with the advancement of technology and the provision of suitable infrastructure for the communication and connection of all banks to each other, the creation of a platform and a single communication language made the use of traditional methods such as telex and two-by-two communication of each bank with the other bank eliminated. However, due to the fact that the control and supervision of SWIFT is in the hands of a minority of the member countries, this company has abused this position based on its economic interests and its influential members and can, based on unilateral contractual conditions, target the members of the minority. Deprived of their services this minority practically has no substitute. On the one hand, since the existence of a natural monopoly in a product and service excludes it from the supervision and control of the regulations of competition law, and since SWIFT, as a system that provides banking services, is a natural monopoly, and the creation of other networks for Financial transactions for banks have no relative advantage, so it seems that this monopoly network should be monitored and controlled through sectorial regulations. With regard to the above, this research by explaining the special features of banking financial messenger


networks, emphasizing and relying on SWIFT features and the similarities of these features with natural monopoly industries; It is looking for a solution to set regulations to control and monitor this financial messenger network. First, by examining the structure and legal nature of SWIFT, it has acquainted with the mechanism of this financial messenger network and its relationship with banks, and by examining the role of information technology in creating a natural monopoly for monopoly networks and systems; it has to know the advantages and disadvantages of such a monopoly.

Keywords: Monetary Messengers, SWIFT, Banking, Regulator, Nonmarket.




انحصار طبیعی ناشی از فناوری اطلاعات در شبکه بانکی بین‌المللی


عضو هیأت علمی گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشکده حقوق و علوم اسلامی دانشگاه تهران، ایران.

محمود باقری 

کارشناس ارشد حقوق تجاری اقتصادی بین‌المللی دانشکده حقوق و علوم اسلامی دانشگاه تهران، ایران.

سعید رحمانی* 

کارشناس ارشد حقوق تجاری اقتصادی بین‌المللی دانشکده حقوق و علوم اسلامی دانشگاه تهران، ایران.

یاسمین افشاری فرد 

چکیده

با پیشرفت چشم‌گیر فناوری اطلاعات و ارتباطات، شبکه‌های بانکی با ایجاد زیرساخت‌های مبتنی بر این فناوری و با استفاده از سامانه‌های پیام‌رسان مالی، اقدام به تسهیل ارتباطات مالی بین بانکی داخلی و بین‌المللی نموده‌اند. مهم‌ترین نمونه بین‌المللی این نوع سامانه‌ها شبکه سوئیفت است که گسترده‌ترین شبکه پیام‌رسان مالی است و تقریباً تمامی بانک‌های جهان از طریق زیرساخت و زبان مشترک این شبکه با یکدیگر در تماس هستند. هرچند شبکه سوئیفت مزایای بسیاری برای کشورها به همراه داشته است؛ اما با توجه به ویژگی‌های منحصر به فردی که نسبت به سایر شبکه‌ها و روش‌های نقل و انتقال مالی دارد، انحصار شبکه‌های پیام‌رسان مالی در دست این شبکه افتاده و متعاقباً از این انحصار سوءاستفاده‌هایی علیه برخی کشورها صورت گرفته است، خصوصاً اینکه بازگشت به روش‌های دوجانبه و یا ایجاد یک بستر موازی، برای این کشورها فاقد کارایی بوده و البته غیرعملی است؛ لذا در این پژوهش از طریق روش توصیفی-تحلیلی انحصار طبیعی شبکه پیام‌رسان سوئیفت که ناشی از فناوری اطلاعات است، مورد بررسی قرار گرفته و بیان شده است که بهترین راه‌حل جهت مقابله حقوقی با سوءاستفاده از این انحصار، تعیین یک نهاد مقررات‌گذار بخشی، جهت کنترل و نظارت بر این شبکه پیام‌رسان مالی است.

واژگان کلیدی: پیام‌رسان‌های مالی، سوئیفت، نهاد مقررات‌گذار، بانکداری، نابازار.

مقدمه

در گذشته برای نقل و انتقالات پیام‌های مالی در شبکه‌های بانکی داخلی و بین‌المللی از روش‌های سنتی از جمله مکاتبات پستی، تلفن، فکس، تلکس^۱ و ... استفاده می‌شد که جزو روش‌های دوجانبه بود و در صورت ایجاد مشکل برای هر یک، شیوه‌های دیگر قابل استفاده بودند، اما با پیشرفت چشم‌گیر فناوری اطلاعات و ارتباطات، شبکه‌های بانکی بر آن شدند تا با ایجاد زیرساخت‌های مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات و اطلاع‌رسانی، تماس‌ها و سفارشات خود را در خصوص تراکنش‌های مالی، آن‌هم به صورت چندجانبه، تسهیل نموده و توسعه دهند؛ لذا سامانه‌های پیام‌رسان مالی ایجاد گردیدند که به زیرساخت اصلی ایجاد ارتباط بین بانکی داخلی و بین‌المللی تبدیل شدند. از معروف‌ترین نمونه بین‌المللی این سامانه‌ها باید به شبکه «سوئیفت»^۲ اشاره کرد که گسترده‌ترین شبکه پیام‌رسان مالی است و تقریباً تمامی بانک‌های جهان از طریق زیرساخت و زبان مشترک این شبکه با یکدیگر در تماس هستند. ویژگی‌های منحصر به فرد سوئیفت نسبت به سایر شبکه‌ها و روش‌های نقل و انتقال مالی منجر به ایجاد نوعی انحصار در شبکه‌های پیام‌رسان مالی به نفع این شبکه گردیده است که به نظر با ویژگی‌های انحصار طبیعی مطابقت دارد و وضعیتی ایجاد شده که در آن بازگشت به روش‌های دوجانبه و یا ایجاد یک بستر موازی، غیر عملی و غیر اقتصادی است.^۳ علاوه بر این، کنترل و نظارت بر سوئیفت در اختیار اقلیت کشورهای عضو می‌باشد و این شبکه می‌تواند بر اساس منافع اقتصادی و اعضای ذی‌نفع خود، از این موقعیت سوءاستفاده نموده و چنانچه نسبت به ایران اقدام شد، بر اساس شروط قراردادی یک‌طرفه، برخی اعضای شبکه را از خدمات خود محروم کند که در این صورت عملاً جایگزینی برای کشورهای محروم شده وجود نخواهد داشت.

1. Teleprinter Exchange (Telex)

2. SWIFT

۳. با این وجود برخی اعتقاد دارند که بر اساس تجربه کشورهای نظیر روسیه و چین، امکان ایجاد شبکه انتقال داده‌های بانکی موازی و جایگزین سوئیفت به‌عنوان یک راهکار بلندمدت وجود دارد. رجوع کنید به: عزیزی محمود، شریفیان، جمشید، «بایسته‌های سوئیفت و آسیب شناسی آن در حقوق تجارت ایران در پرتو تحریم»، پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، سال دوم شماره ۱۶ (۱۳۹۹).

در خصوص انحصار طبیعی در ادبیات خارجی مقالات و کتب متعددی منتشر شده است^۱ و در ادبیات داخلی نیز انحصار طبیعی در زمینه‌های دیگر و از زوایای غیرحقوقی از جمله در صنعت برق یا مخابرات بررسی شده است،^۲ اما در ارتباط با بررسی زوایای حقوقی انحصار طبیعی در زمینه شبکه بانکی بین‌المللی تاکنون تحقیق و یا پژوهشی در ادبیات داخلی یا خارجی صورت نگرفته است. ازین رو ابتدا ویژگی‌های خاص شبکه‌های پیام‌رسان مالی بانکی، با تأکید و تکیه بر ویژگی‌های سوئیفت و تشابهات این ویژگی‌ها با بخش‌های دارای انحصار طبیعی مورد بررسی قرار می‌گیرد که آیا سوئیفت در وضعیت انحصار طبیعی قرار دارد یا خیر، سپس با نگاهی به ساختار و ماهیت حقوقی سوئیفت، سازوکار این شبکه پیام‌رسان مالی تفسیر شده و نیز نقش فناوری اطلاعات در ایجاد انحصار طبیعی برای شبکه‌ها و سامانه‌های انحصاری تبیین و اینکه وجود چنین انحصاری دارای چه مزایا و معایبی است، ارزیابی می‌شود و در نهایت با توجه به نیاز و مشکل روز کشور و تحریم‌های ایالات متحده و قطع تبادلات بانکی بین‌المللی ایران، پرونده‌هایی که تاکنون در محاکم مختلف در این زمینه نسبت به سوئیفت مطرح شده، ارزیابی و راهکار حقوقی مقابله با سوء استفاده از انحصار سوئیفت بررسی خواهد شد.

۱. از جمله Manuela که در مقاله خود به تاریخچه انحصار طبیعی و عدم سازگاری آن با رقابت کامل پرداخته و به نیاز به مداخله دولت اشاره نموده است:

Mosca, Manuela, "On the origins of the concept of natural monopoly: Economies of scale and competition." *The European Journal of the History of Economic Thought* 15, no. 2, (2008).

همین‌طور Posner که شرایطی را توصیف می‌کند که در آن انحصار طبیعی سیاست‌های بر ضد رفاه اجتماعی به همراه دارد و فرآیند مقررات‌گذاری با در نظر گرفتن هزینه‌ها و منافع اجتماعی را بررسی می‌نماید.

Posner, RA., "Natural monopoly and its regulation", *Stanford Law Review*, 548, (1968).

۲. از جمله: صدرایی جواهری، احمد، «آزمون وجود انحصار طبیعی در صنعت توزیع برق ایران: بک تجزیه و تحلیل پانلی با ضرایب تصادفی»، نظریه‌های کاربردی اقتصاد، سال چهارم شماره ۱ (۱۳۹۶). و یا معمارنژاد، عباس، هادی‌فر، داود، «بررسی وجود انحصار طبیعی در بازار مخابرات ایران»، مدل‌سازی اقتصادی، شماره ۷ (۱۳۸۸).

شرکت بین‌المللی ارتباط مالی بین بانکی

نحوه به‌کارگیری فناوری اطلاعات در شبکه‌های بانکی و مالی به‌گونه‌ای است که در ارائه خدمات در نوع خود بی‌رقیب بوده و قوانین و مقررات واضح و مرجع مشخصی جهت اعتراض کاربران به نحوه خدمات‌رسانی این شبکه‌ها وجود ندارد. به همین خاطر بیان شده است که فناوری اطلاعات تمرکزخواه، اقتدارگرا و ابزاری مورد استفاده سیاست‌مداران و مجریان حکومتی برای دستیابی به هدف‌های سیاسی است.^۱ از طرف دیگر با توجه به ماهیت این نوع از پلتفرم‌ها، جهت به حداکثررسانی بهره‌مندی، باید همه کاربران صرفاً از یک نوع از این پلتفرم‌ها استفاده کنند. شرکت بین‌المللی ارتباط مالی بین بانکی یا سوئیفت نیز یکی از این پلتفرم‌هاست که تسهیلات و خدمات ویژه‌ای را از طریق مراکز خود در سراسر دنیا به بانک‌ها و مؤسسات مالی ارائه می‌دهد و هدف آن خودکارنمودن تبادل پیام‌های مالی است. در واقع سوئیفت یک سیستم انتقال پیام بوده و متفاوت از سیستم انتقال وجوه است،^۲ به عبارتی بر خلاف دیگر شبکه‌ها مثل «چیپس»^۳ یا «بکز»^۴ که شبکه انتقال وجوه هستند؛ سوئیفت فقط شبکه‌ای برای انتقال پیام‌های مالی است؛ یعنی زمانی که دستورالعمل‌های مالی مخابره می‌شوند، بانک‌ها (و نه سوئیفت) مسئول حل و فصل معامله از طریق شرکت‌های تسویه وجوه هستند.^۵ از سوی دیگر سوئیفت یک نهاد مشارکتی است که تنها در مالکیت اعضای آن است. ساختار سرمایه آن در ابتدا مبتنی بر ترکیبی از برابری و وام بود. سپس به هر عضو جدید از کشورهای موجود سهمی تخصیص داده شد و در مورد کشورهای جدید تا زمانی که اعضا به وضعیت اجرایی نرسیدند، تنها یک سهم به آنها تخصیص داده شد. پس از آن، این نوع اعضا بر اساس کاربری خود از شبکه، سهم مورد نظر را دریافت کردند. هر سهم در

۱. مستقیمی، بهرام، «فناوری اطلاعات و حاکمیت»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۱ (۱۳۸۵)، ص ۱۰.

۲. البته سیستم‌های انتقال پیام به لحاظ نتیجه با سیستم‌های انتقال وجوه یکسان هستند و در نهایت موجب انتقال وجوه به حساب یک مشتری در یک بانک می‌شوند، اما این وجوه مستقیماً از حساب دیگری نزد همان بانک می‌آیند.

3. CHIPS

4. BACS

5. Korolchyk, B., "The Paperless Letter of Credit and Related Documents of tile Law and Contemporary Problems", *Technology and Commercial Law*, no.55 (1992), pp. 31-101.

کنار این که نشان‌دهنده حقوق مالکیت بود، تعهدی برای دادن وام به سوئیفت ایجاد می‌کرد (حداکثر هزار دلار به ازای هر سهم با میزان بهره سالانه تعیین شده توسط هیئت‌مدیره) که این شرکت را قادر می‌ساخت هزینه‌های عملیاتی این شبکه بین‌المللی را در طول فاز شکل‌گیری پوشش دهد. هنگامی که این سرمایه اولیه بنیان‌نهاد شد، عضویت سوئیفت مستلزم پرداخت هزینه ورود گردید.^۱ علاوه بر این، مطابق ماده هشت اساسنامه سوئیفت، عضویت هر سازمانی در سوئیفت مشروط بر این است که فعالیت‌های آن با اهداف و خدماتی که سوئیفت ارائه می‌دهد مطابقت داشته باشد و واجد شرایط لازم باشد.^۲ مالکیت اعضا با ورود در دفتر ثبت سهام و اخذ گواهی که مؤید سهام‌داری است، انجام می‌گیرد؛ بنابراین به جز موارد فوق هیچ سند دیگری توسط شرکت، ناظر بر تأیید سهام‌داری صادر نمی‌گردد. مطابق ماده ۱۳ اساسنامه سوئیفت، انتقال ارادی سهام ممنوع است و انتقال صرفاً در چهارچوب مواردی همچون ادغام میسر است. این ماده مقرر می‌دارد: «انتقال سهام باطل و غیرنافذ است مگر آنکه چنین انتقالی در قالب اختصاص مجدد سهام بر اساس ماده ۱۰ یا بر اساس ادغام، تصاحب، بازسازی یا ادغام مجدد، تجزیه یا هر روند حقوقی مشابه صورت گیرد که مستلزم انتقال سهام‌داری باشد، مشروط بر این که در هر مورد منتقل‌آلیه واجد شرایط سهام‌داری و شرایط مقرر برای پذیرفته‌شدن به‌عنوان سهام‌دار باشد». به عبارتی استفاده از خدمات سوئیفت منوط به احراز شرایطی است که سوئیفت مقرر می‌نماید. با این حال، به علت ویژگی خاص سوئیفت که همان ایجاد یک زبان مشترک برای تمامی بانک‌ها جهت انتقال پیام‌های مالی است، تقریباً تمامی تبادلهای مالی بزرگ در شبکه بانکی بین‌المللی از طریق آن انجام می‌شود و این امر چنانچه در ادامه بیان می‌گردد، باعث شده تا در این زمینه، نوعی انحصار به نفع سوئیفت ایجاد گردد که شرایط را برای تحمیل بیشتر شروط مورد نظر خود جهت عضویت و یا سلب عضویت اعضا هموارتر کند.

۱. این هزینه برای تمامی اعضای که پیش از ۳۰ سپتامبر ۱۹۷۲ عضو شده بودند، ۳۲۰۰ دلار و برای اعضای پس از این تاریخ ۵ هزار دلار بود. در سال ۱۹۸۲ سوئیفت قادر بود هزینه‌های شکل‌گیری شبکه خود را به‌طور کامل تسویه نماید.
 ۲. البته اگر سازمان یا شرکتی برای عضویت در سوئیفت به هر دلیلی با مانع یا محدودیت روبرو باشد، می‌تواند از طریق سازمان دیگری که در سوئیفت عضویت دارد، به‌طور غیرمستقیم از خدمات آن استفاده کند.

انحصار طبیعی

مطابق بند ۱۲ ماده یک قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه، انحصار عبارت است از «وضعیتی که سهم یک یا چند بنگاه یا شرکت تولیدکننده، خریدار و فروشنده در بازار از عرضه و تقاضا به میزانی است که قدرت تعیین قیمت و یا مقدار را در بازار داشته و یا ورود بنگاه‌های جدید به بازار یا خروج از آن را با محدودیت مواجه نماید؛^۱ لذا زمانی که عمده سهم بازاری در کنترل و اختیار مجموعه‌ای با هر ماهیتی اعم از دولتی یا خصوصی قرار داشته باشد، تعریف انحصارگری مصداق می‌یابد. از نظر اقتصادی نیز بازار انحصاری در وضعیتی تحقق می‌یابد که تولیدکننده کالا و یا ارائه‌کننده خدمات واحد و یا محدود باشند.^۱ در خصوص انحصار طبیعی معمولاً عنوان کرده‌اند «وضعیتی که در آن وقتی یک بنگاه اقدام نماید می‌تواند خدمت یا محصولی خاص را با هزینه کمتری ارائه دهد تا اینکه چند بنگاه اقدام نمایند» انحصار طبیعی خواهد بود.^۲ انحصاری که به دلیل سازوکار خالص بازار به صورت طبیعی ایجاد می‌شود و به بنگاه مربوطه این امکان را می‌دهد که بدون اینکه توسط رقیبی تهدید شود فعالیت نماید.^۳ در قوانین روسیه انحصار طبیعی اینگونه تعریف شده است: «وضعیت بازاری که در آن پاسخ به تقاضا بدون وجود رقابت بسیار مؤثرتر خواهد بود».^۴ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه در ماده ۵۹ به آن اشاره نموده و در بند ۱۳ ماده

۱. اگر بنگاهی تنها تولیدکننده کالا یا تنها ارائه‌دهنده خدماتی باشد که هیچ‌کس نزدیک‌تری برای آن وجود ندارد، آن بنگاه انحصارگر و بازاری که انحصارگر در آن فعالیت می‌کند، بازار انحصاری نامیده می‌شود. برای توضیحات بیشتر رجوع کنید به:

White, Lawrence J, "Market Definition in Monopolization Cases: A paradigm Is Missing", *Law and Economics Research Paper*, No.05 (2005).

2 Carlton, D., Perloff, J. *Modern Industrial Organization*, (Boston: Addison-Wesley, 4th edn. 2004).

3 Hadi. Ashkan, Paulus Aluk Fadjar Dwi Santo, "Natural monopoly or monopoly by law for state owned enterprises", *E3S Web of Conferences*, Vol.426, EDP Sciences, (2023).

B. Depoorter, "Regulation of natural monopoly," in *Encyclopedia of law and economics*, B. Bouckaert and G. De Geest, Eds. Cheltenham: Edward Elgar, 2000.s

۴. ماده ۳ قانون مربوط به انحصار طبیعی روسیه ۴

Federal Law No. 147-Fz Of August 17, 1995 On The Natural Monopolies

یک این چنین آن را تعریف نموده است: «وضعیتی از بازار که یک بنگاه به دلیل نزولی بودن هزینه متوسط، می تواند کالا یا خدمت را به قیمتی عرضه کند که بنگاه دیگری با آن قیمت قادر به ورود یا ادامه فعالیت در بازار نباشد». به علاوه می توان گفت انحصار طبیعی معمولاً به دو دلیل به وجود می آید: نخست به دلیل نیاز به زیرساخت های بزرگ برای ایجاد تأسیسات عملیاتی، همانند آنچه در شبکه های حمل و نقل و برخی از تأسیسات عمومی مورد نیاز است و دوم به علت وجود اثرات شبکه ای این نوع صنایع بر دیگر صنایع؛ لذا انحصار طبیعی ویژگی خاصی است که عموماً از تابع تکنولوژی تولید یک بنگاه ناشی می شود و به طور طبیعی باعث می شود که در صنعت مورد نظر، امکان به وجود آمدن رقابت میسر نباشد. مقررات بین المللی متعددی نیز در خصوص انحصار طبیعی در زمینه های گوناگون مقرراتی وضع نموده اند که از جمله مهم ترین آنها می توان به توافق نامه های متعددی اشاره کرد که توسط سازمان تجارت جهانی منعقد شده است؛ از جمله GATS که مهم ترین آنهاست، دستورالعمل های سازمان ملل در خصوص حمایت مصرف کننده، سازمان بین المللی ICN که اصولی در خصوص انحصار طبیعی تدوین نموده است، اتحادیه اروپا، UNCTAD و اتحادیه بین المللی ارتباطات از راه دور از جمله دیگر نهادهایی هستند که به این امر پرداخته اند. هر کدام از این نهادها در رابطه با زمینه های متفاوتی اقدام به وضع مقررات و تنظیم وضعیت انحصار طبیعی نموده اند، همچون تنظیم مقررات، استفاده از نهادهای ضد انحصار و نهادهای تنظیمی که به طور کلی انحصار طبیعی را نوعی شکست بازار می دانند که نیازمند رسیدگی متفاوتی است.^۱

البته مطابق آنچه ریچارد پازنر^۲ بیان کرده است «انحصار طبیعی مربوط به تعداد واقعی فروشندگان نیست، بلکه مربوط به رابطه بین تقاضا و تأمین تکنولوژی است».^۳ عموماً صنایع زیرساختی که خدمات را برای بخش ساخت و تولید فراهم می نمایند از این ویژگی برخوردارند. همین طور در صنایعی که هزینه های اولیه بسیار غالب هستند و باعث ساخت اقتصادهایی در مقیاس بالا در برابر اندازه بازار می شوند.

۱. عموماً برای بر قیمت گذاری، ورود، استانداردهای کیفیتی، حمایت از مصرف کننده و نظارت تأکید دارند.

2. Rechar Posner

3. Posner R.A, "Natural monopoly and its regulation", *Stanford law Review*, No.22 (1969), p.1.

بنابراین وضعیت انحصار طبیعی یا نابازار که به آن تک‌قطبی نیز گفته می‌شود؛ زمانی رخ می‌دهد که تأمین‌کننده اصلی محصول یک برتری قابل توجه از بابت هزینه‌ها بر دیگر رقبا داشته باشد. این امر در مورد سوئیفت نیز صادق است؛ چراکه سوئیفت دارای تمام ویژگی‌های یک انحصار طبیعی است، از جمله خصوصیات اولیه انحصار که عبارتند از: هزینه زیاد ایجاد زیرساخت، یگانگی عرضه‌کننده، فقدان خدمات جایگزین مشابه، ناکارآمد بودن ایجاد خدمات جایگزین مشابه، سهم بازار زیاد و وجود موانع ورود. از سوی دیگر، تفوق سوئیفت بر دیگر ابزارها و استفاده تقریباً تمامی بانک‌ها و مؤسسات مالی دنیا از این ابزار سبب شده است که هیچ بانک یا مؤسسه مالی نتواند به شیوه‌ای کارا به روش و ابزار دیگری متوسل گردد؛ زیرا روش‌های دیگر مورد اقبال بانک‌های کشورهای دیگر واقع نخواهد شد و حتی در صورت پذیرش روش‌های دیگر نظیر تلکس^۱ برای تبادل اطلاعات مالی؛ بانک متقاضی جایگزینی این روش با سوئیفت، باید هزینه‌های آن را پردازد.

اما انحصار طبیعی، طرفدارانی نیز دارد که معتقدند به وجود آمدن رقابت در صنایع با ویژگی این انحصار به ضرر مصرف‌کنندگان نهایی این خدمات است و آن را دارای هزینه‌های اجتماعی گسترده‌ای همانند: کاهش سطح رفاه شهروندان جامعه و عدم کارایی مطلوب صنعت مورد نظر می‌دانند؛ لذا انحصار سوئیفت که ناشی از فناوری اطلاعات است، به‌خودی‌خود دارای منافع و سود برای کشورهای عضو آن است، چراکه اقدام هر کشور جهت ایجاد شبکه مشابه بسیار هزینه‌بر خواهد بود؛ لذا در خدمات پیام‌رسان‌های مالی وجود یک بازیگر همانند سوئیفت کارآمدتر از وجود رقابت است؛ زیرا روش دوه‌دو کارآمد نبوده و کشورها از آن گذر نموده‌اند و به پیام‌رسانی چندجانبه که موجب ایجاد زبانی مشترک برای تبادل پیام‌های مالی میان همه کشورها شده است، روی آورده‌اند، اما همان‌طور که در

۱. تلکس یا صرافی دورنویس (Teleprinter Exchange) یکی از راه‌های اصلی انتقال داده بوده که در جنگ جهانی دوم توسعه داده شد و به‌سرعت توانست توسط مؤسسات مالی برای ارتباطات بین‌المللی سیستم‌هایشان سازگار شود. برای مطالعه مزایای سوئیفت نسبت به تلکس می‌توانید رجوع کنید به: امانی جونتقانی، الهام، باستانی‌فر، ایمان و حیدری خوراسگانی، محمدرضا، «رتبه‌بندی راهکارهای جایگزین سوئیفت در محیط تحریم (مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران)»، راهبرد اقتصادی، سال دهم شماره ۳۷ (۱۴۰۰).

ادامه بیان شده است، چنین وضعیت انحصاری موجب استفاده ابزاری برخی کشورها به خصوص ایالات متحده برای دستیابی به اهداف سیاسی شده است که نیازمند اصلاح شرایط به سمت تنظیم فرا دولتی است.

اعمال فراسرزمینی مقررات ایالات متحده آمریکا بر سوئیفت و حفاظت از حریم خصوصی اطلاعات

پس از بمب‌گذاری در سفارت‌های ایالات متحده در دارالسلام و نایروبی در سال ۱۹۹۸، سازمان سیا^۱ و اداره خزانه‌داری آمریکا^۲ از سوئیفت درخواست دسترسی به اطلاعات مشتریان را نمودند که سوئیفت به سه دلیل این درخواست را رد نمود: اول اینکه مقامات آمریکایی می‌توانستند این اطلاعات را از بانک‌های گیرنده به‌نحو کارآمدتری دریافت نمایند؛ دوم، سوئیفت ظرفیت فنی لازم برای جست‌وجو در مراکز عملیات خود را نداشت و سوم اینکه، درخواست مقامات آمریکایی به موقع نبود و دسترسی به اطلاعات محدود شده بود؛ چرا که اطلاعات برای ۱۲۴ روز در سیستم سوئیفت نگهداری می‌شد.^۳ با این حال پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا، مدیرعامل آمریکایی سوئیفت^۴ متأثر از حملات تروریستی، پایگاه اطلاعاتی سوئیفت را بر اساس برنامه ردیابی تأمین مالی تروریسم^۵ در اختیار خزانه‌داری آمریکا قرار داد و آمریکا بدین ترتیب شروع به رصد اطلاعات مالی اشخاص در شبکه سوئیفت کرد.^۶ در ابتدا امکان دسترسی به همه اطلاعات موجود در پایگاه‌های اطلاعاتی سوئیفت ایجاد شده بود؛ اما در دستورات بعدی دامنه این دسترسی به

1. CIA

2. United States Department of the Treasury

۳. نگهداری اطلاعات در این دوره به جهت دسترسی به آنها از سوی مشتریان در مواقع اضطراری، حوادث غیرمترقبه و بروز اختلاف می‌باشد. برای توضیحات بیشتر مراجعه شود به:

De Goede, Marieke (2012). "The SWIFT Affair and the Global Politics of European Security", *JCMS*, Vol.50, No.2 (2012): 214-230.

4. Leonard Schrank

5. Data Retrieval Policy

6. United States Department of the Treasury

7 Wesseling, Mara et al, "Data War beyond Surveillance Opening Black Box of Swift", *Journal of Cultural Economy*, vol.5, No.1 (2012), pp.49-66.

اطلاعات کشورهای خاصی به عنوان مبدأ یا مقصد محدود گردید.^۱ به علاوه، مطابق سندی که سوئیفت تدوین کرد، معین شد که این شبکه تمامی اقدامات لازم را جهت حصول اطمینان از محرمانه ماندن پیام‌های ارسالی اتخاذ نماید و باید از دستورات اداری قانونی صادره از مراجع قانونی نیز تبعیت کند. بر این اساس سوئیفت اطلاعات درخواستی را تسلیم نمود^۲ و مقامات آمریکایی نیز به سوئیفت اطمینان دادند که اطلاعات، صرفاً جهت تحقیقات علیه تروریسم استفاده می‌گردد. با این حال تعریف خزانه‌داری آمریکا از تروریسم موسع بود و هر چند مقامات سوئیفت این دسترسی را موقتی و محدود می‌دانستند، اما در سال ۲۰۰۲ خلاف این امر ثابت گردید و سوئیفت از اداره خزانه‌داری آمریکا خواست که اقدامات خود را اصلاح و شفاف کند و به‌ویژه درخواست نمود که نتایج جست‌وجو که سوئیفت چیزی درباره آن نمی‌دانست توسط یک بازرس مستقل بازنگری گردد،^۳ اما با توجه به اتفاقات بعدی سوئیفت تضمینات بیشتری از آمریکا مبنی بر استفاده محدود از اطلاعات و نیز محرمانه ماندن آنها درخواست نمود و دو مقام سوئیفتی نیز به عنوان ناظر به هنگام جست‌وجوی اطلاعات گمارده شدند که در محل حضور داشتند.^۴ مطابق این شرایط، خزانه‌داری آمریکا دستورات اداری ماهیانه صادر می‌کرد تا سوئیفت توجیهی قانونی برای همکاری خود داشته باشد و بیان شود که چاره‌ای جز همکاری نداشته است، اما سوئیفت می‌توانست به این دستورات در دادگاه اعتراض کند، همان‌گونه که از دستورات پیش از حملات ۱۱ سپتامبر تبعیت نکرده بود، اما نکته مهم به قوانین کشور آمریکا باز می‌گردد. بر

۱. مقامات آمریکایی مدعی هستند که در حال حاضر کمتر از یک درصد میزان ترافیک سوئیفت در کل دنیا، مورد جست‌وجو قرار می‌گیرد. یک درصد برابر با یکصد و چهل هزار معامله مالی در هر روز است.

2. Van Wasshova, Matthew, "Data Protection Conflicts between the United States and the European Union in the War on Terror: Lessons Learned from the Existing System of Financial Information Exchange, Case Western Reserve", *Journal of International Law*, vol. 39, issue 3 (2008), pp.827-865.

۳. اداره خزانه‌داری این درخواست را پذیرفت و بازرسی را به مؤسسه Booz Allen Hmlton Inc واگذار نمود. با این حال بعدها مشخص گردید که مؤسسه مزبور مستقل نبوده و حتی مدیر آن از مدیران سابق سازمان CIA بوده است.

4. Koppel, Johannes, *The Swift Affairs: Swiss Banking Secrecy and the Fight against Terrorist Financing*, Geneve: Graduate Institute Publication, (2011).

اساس «قانون اختیار اقتصادی اضطراری بین‌المللی ایالات متحده» مصوب ۱۹۷۷^۱ دولت حق دارد بر مبنای اعلام وضعیت اضطراری از سوی رئیس جمهوری ارائه اطلاعات را درخواست کند؛ بنابراین اداره خزانه داری آمریکا حق داشت که دستورات اداری جهت دریافت اطلاعات مفید در جهت مبارزه با تروریسم را صادر کند. این دستورات محرمانه هستند و قابل بازنگری از سوی قضات و هیئت منصفه نیستند، به علاوه اینکه از جهت قانونی این امر ممکن بود؛ زیرا این شرکت بلژیکی یک مرکز عملیاتی در ایالات متحده داشت.

این برنامه محرمانه نظارت آمریکا در سال ۲۰۰۶ توسط جراید آمریکا افشا گردید^۲ و متقابلاً به شدت مورد انتقاد مقامات آمریکایی قرار گرفت؛^۳ با این توضیح که اقدام مزبور ناسپاسی و به ضرر امنیت ملی است. این اقدامات هرچند مطابق قانون بوده و دلیلی بر سوءاستفاده از اطلاعات شخصی و محرمانه نیز وجود نداشت، با این حال در سال ۲۰۰۹، سوئیفت ذخیره برخی اطلاعات حساس در سرورهای مستقر در ایالات متحده را متوقف و این اطلاعات را در حوزه اتحادیه اروپایی ذخیره کرد.^۴

به هر حال قبل از انعقاد توافقنامه سوئیفت، برنامه نظارت آمریکا با واکنش‌هایی نیز همراه بود. از جمله در نوامبر ۲۰۰۶ کارگروه ماده ۵۲۹ اتحادیه اروپا بیان داشت که سوئیفت مقررات حفاظت اطلاعات اروپایی را از طریق ارسال اطلاعات شخصی به ایالات متحده بدون حصول اطمینان کافی از حفاظت آنها و بدون اطلاع به اشخاص در زمینه چگونگی

1. US International Emergency Economic Power Act of 1977

2. Mackenzie, Alex, *The External dimension of European Home Land Security, European Homeland Security, A European Strategy in the Making?* oxfordshire: Routledge (2012), p.107.

3. Ridley, Nick, *Terrorism Financing, the Failure of Counter Measures*, Cheltenham: Edward Elgar Publishing, (2012), p.56.

۴. البته در رابطه با نقض حریم خصوصی و حفاظت از اطلاعات اشخاص از سوی سوئیفت، مقامات مربوط به حفاظت اطلاعات، با رهبری کمیسیون حریم خصوصی بلژیک اقدامات بسیاری انجام داده‌اند، ولی در نهایت بر اقدامات سازنده سوئیفت در تبعیت از دستورات اداری الزام‌آور آمریکا تأکید گردید و بیان شد که سوئیفت ناگزیر به تبعیت از این دستورات قانونی در ایالات متحده بوده و در انجام این تکلیف قانونی خود در آمریکا سوئیفت کوشش و دقت کافی را در حفاظت اطلاعات به خرج داده است و هیچ دلیلی جهت تردید در حسن نیت سوئیفت وجود ندارد.

5. The EU's Article 29 Data Protection Working Party

واحد مستقل نظارتی کمیسیون اروپایی در زمینه حفاظت اطلاعات و حریم خصوصی

مدیریت اطلاعات آنها نقض کرده است. در ادامه اتحادیه اروپا مذاکره با آمریکا را جهت حل مسئله انطباق با مقررات اروپایی و نیز دستور اداری مقامات آمریکایی در دستور کار قرار داد.^۱ در مجموع واکنش مقامات اروپایی نسبت به این مسئله جدی نبود و به جای انعقاد یک توافق لازم‌الاجرا، صرفاً به اخذ تضمیناتی از آمریکا بسنده گردید.^۲ با این حال اوایل سال ۲۰۱۰ سوئیفت سیستم خود را تغییر داد و تبادلات مالی داخل اروپا را از پوشش مرکز پردازش مستقر در آمریکا خارج کرد، ولی از آنجا که مقامات اروپایی قصد داشتند که تعامل خود را در مبارزه با تروریسم نشان دهند و از طرفی نتایج خوبی نیز از ارسال داده‌ها به آمریکا دریافت کرده بودند و برنامه‌ای همانند برنامه رهگیری تأمین مالی تروریسم آمریکا در اروپا وجود نداشت، تصمیم گرفتند که جهت تداوم ارسال اطلاعات از اروپا به آمریکا، با مقامات آمریکایی مذاکره کنند که نهایتاً منتج به انعقاد توافقنامه سوئیفت گردید. بر اساس این توافقنامه دولت آمریکا می‌تواند معاملات مالی مرتبط با فعالیت‌های مشکوک به تروریستی را ردگیری نماید، بدون اینکه قوانین و مقررات مرتبط با حریم خصوصی اشخاص را نقض

1. Peters, Anne et al, (2009). Non-State Actors as Standard Setters, UK: Cambridge University Press, (2009), p.369.

۲. در ادامه و در ۲۸ ژوئن سال ۲۰۰۷ خزانه‌داری آمریکا اظهارنامه‌ای مشتمل بر هشت صفحه در خصوص چهارچوب عملکرد برنامه رهگیری تأمین مالی تروریسم ارسال نمود و بیان نمود که اخذ اطلاعات از سوئیفت و بررسی آن نگرانی‌های موردنظر اتحادیه اروپایی در زمینه حفاظت اطلاعات را مدنظر قرار می‌دهد. در این اظهارنامه موضوعاتی بدین شرح مورد اشاره قرار گرفتند: بر اهمیت ردیابی تروریسم از طریق بررسی حمایت‌های مالی تأکید نمود، بیان نمود که اطلاعات صرفاً در ارتباط با فعالیت‌های تروریستی مورد استفاده قرار می‌گیرد و دیگر فعالیت‌های غیرقانونی نظیر قاچاق مواد مخدر یا فرار مالیاتی را در بر نمی‌گیرد، اطلاعات غیرضروری پس از پنج سال حذف خواهند شد، با انتساب یک مقام اروپایی جهت ارزیابی این برنامه موافقت نمود و در دسامبر ۲۰۰۸ مراجع حفاظت اطلاعات بلژیکی طی گزارشی تأیید نمودند که در ارتباط با برنامه فوق سوئیفت اکنون مقررات حفاظت اطلاعات این کشور را رعایت می‌نماید، قاضی جین لویس (Jean Louis) به‌عنوان عضو ناظر تعیین شد و در ژانویه ۲۰۰۹ با ارسال گزارشی به مقامات اروپایی اطمینان داد که اقدامات آمریکا در چهارچوب اظهارنامه هشت صفحه‌ای می‌باشد. این نظر در گزارش ابتدای سال ۲۰۱۰ نیز تأیید و تکرار شد. برای توضیحات بیشتر رجوع شود به:

Micklitz, Hans-W et al, Risk an EU Law, UK: Edward Elgar Publishing (2015), pp.73-74.

کرده باشد؛^۱ لذا آمریکا اختیار عمل بیشتری کسب کرده و راه سوءاستفاده از نفوذ آن جهت نیل به اهداف خود با وجود موقعیت انحصاری سوئیفت هموارتر گردید.

سوءاستفاده از موقعیت انحصاری سوئیفت

مزایای انحصاری بودن خدمات سوئیفت سبب شده است که از آن به عنوان ابزاری جهت فشار بر دولت‌ها از طریق تحریم استفاده گردد، از جمله ممنوعیت دسترسی ایران به شبکه سوئیفت که جزو نخستین تحریم‌های مذکور محسوب می‌شود^۲ و در سال ۲۰۱۲ از سوی اتحادیه اروپا علیه ایران به کار گرفته شد. محرومیت از خدمات سوئیفت علاوه بر اینکه بر مبادلات مالی بانک‌ها تأثیر می‌گذارد، در میزان سهامی که در اختصاص سهام آتی از سوی

۱. توافقنامه‌هایی نیز میان کشورها جهت تقویت زمینه حفاظت از حریم خصوصی و اطلاعات صورت گرفته است که کنوانسیون شماره ۱۰۸ اتحادیه اروپایی یکی از مهم‌ترین آنهاست

Convention for the protection of individuals with regard to automatic processing of personal data (ETS No. 108, 28.01.1981)

با این وجود برخی حقوق‌دانان آمریکایی استدلال نموده‌اند که دسترسی به اطلاعات سوئیفت غیرقانونی است؛ اما پس از مباحثات اولیه حقوق‌دانان و اداره خزانه‌داری با مشاوره با اداره دادگستری، به این نتیجه رسیدند که قوانین حریم خصوصی بر سوئیفت قابل اعمال نیست، چرا که سوئیفت یک تعاونی بانکداری می‌باشد نه بانک. اداره خزانه‌داری نیز استدلال کرد که سوئیفت از شمول قوانین آمریکایی مبنی بر محدودیت دولت در دسترسی به سوابق مالی خصوصی خارج است؛ زیرا یک سرویس پیام‌رسانی می‌باشد نه یک مؤسسه مالی. با این حال، دو تن از وکلای آمریکایی (Lan Walker y Stephen Kruse) علیه سوئیفت یک دعوی جمعی در دادگاه فدرال به جهت نقض حق حریم خصوصی مطابق لایحه حریم خصوصی ملی در ۲۶ ژوئن ۲۰۰۶ طرح نمودند. آنها مدعی شدند که حقوق آنها از طریق دسترسی به اطلاعات از طریق شبکه سوئیفت نقض شده است. دادگاه بدوی در شیکاگو طرح دعوی را پذیرفت. سوئیفت دعوی را به ایالت ویرجینیا منتقل نمود که در آنجا قاضی در اکتبر ۲۰۰۷ دعوی را رد نمود. دادگاه حکم داد که مبنای برای دعوی وجود ندارد، چرا که خواهان‌ها هیچ دلیلی مبنی بر اینکه اطلاعات شخصی آنها مستقیماً به وسیله برنامه نظارت سوئیفت هدف قرار گرفته است، ارائه نداده‌اند. مانع دیگری نیز در خصوص اقامه دعوی در این زمینه وجود داشت. اداره خزانه‌داری در آگوست ۲۰۰۷ اعلام نمود که از دولت درخواست امتیاز سُرّی می‌کند تا بدین وسیله مانع موفقیت دعوی حفاظت اطلاعات علیه سوئیفت گردد؛ بنابراین موفقیت در طرح دعوا علیه سوئیفت و اداره خزانه‌داری آمریکا برای نقض حریم خصوصی بعید به نظر می‌رسد.

Koppel, Johannes, *The Swift Affairs: Swiss Banking Secrecy and the Fight against Terrorist Financing*, Ibid.

2. Cronberg, tarja, *Nuclear multilateralism and Iran: Inside EU Negotiation*, New York: Routledge publishing, (2017), p.84.

سوئیفت به بانک‌ها تعلق می‌گیرد نیز اثر دارد؛ زیرا هر سه سال یک‌بار فرایند تخصیص مجدد سهام سوئیفت به سهام‌داران صورت می‌گیرد و این تخصیص سهام بر مبنای میزان بهره‌مندی از خدمات مبتنی بر شبکه سوئیفت است. قطع ارتباط و عدم استفاده از خدمات سوئیفت ملازمه با کاهش میزان سهام دارد و به تبع کاهش میزان سهام، تعداد نامزدهایی که سهام‌داران از یک کشور جهت تعیین به‌عنوان عضو هیئت‌مدیره، می‌توانند به مجمع عمومی پیشنهاد نمایند نیز کاهش می‌یابد. مهم‌تر آنکه با قطع ارتباط بانک‌ها با سوئیفت تجارت بین‌المللی کشور دچار اختلال می‌گردد. این قطع ارتباط ممکن است بر مبنای توافقات قراردادی و یا به اقتضای مقررات قانونی باشد. به موجب شروط قراردادی مقرر میان سوئیفت و بانک‌ها، طرفین با رعایت شرایط خاصی حق خاتمه دادن به قرارداد را دارند. علاوه بر این، سوئیفت با اتکا به برخی مقررات ملی، منطقه‌ای یا بین‌المللی نیز می‌تواند ارتباط بانک‌ها یا مؤسسات مالی را قطع کرده و از ارائه خدمات به آنها امتناع نماید. این قراردادهای سوئیفت تمامی ویژگی‌های قراردادهای الحاقی را دارا هستند و همین امر سبب شده است که سوئیفت بتواند هرگونه شرطی را به صلاح دید خود در آنها بگنجاند.

وفق ترتیبات قراردادی سوئیفت افزون بر امکان فسخ قرارداد با تحقق شرایطی از جمله نقض اساسی تعهدات از سوی طرف مقابل، ورشکستگی و ...، هریک از طرفین می‌تواند بدون نیاز به توسل به سببی به شرط ارسال ابلاغیه کتبی پیش از فسخ قرارداد، به رابطه قراردادی خود پایان دهد.^۱ علاوه بر این اختیار مطلق و بی‌قید و شرط طرفین در خاتمه‌دادن به روابط خود، ایشان این حق را نیز دارند که با تحقق برخی شرایط یا وقایع، قرارداد خود را فسخ کنند. از جمله در صورتی که عضوی مشمول تحریم‌های سازمان ملل یا اتحادیه اروپا واقع شود یا قوانین و مقررات حاکم را رعایت نکند، سوئیفت حق خواهد داشت که به رابطه خود با آن عضو خاتمه دهد. سوئیفت حق و صلاحیت ارزیابی قانونی بودن تحریم‌ها را ندارد و این شرط قراردادی میان طرفین نیز مطلقاً - صرف نظر از وجاهت یا عدم وجاهت تحریم‌ها- به سوئیفت حق خاتمه عضویت را اعطا می‌کند. هرچند در اصلاحیه این سند در

۱. ماده ۱۰ شروط و قیود کلی سوئیفت.

سال ۲۰۱۶، صریحاً اشاره‌ای به تحریم‌ها نشده است، با این حال در سند اخیر شروطنی عام مقرر شده‌اند که جهت قطع ارتباط بانک‌ها یا مؤسسات مالی می‌توانند توسط سوئیفت مورد استناد قرار گیرند.^۱

طبق مقررات شرکتی سوئیفت مصوب ۲۰۲۰ نیز اگر عضوی، مقررات شرکتی سوئیفت یا شروط و قیود قراردادی را رعایت ننماید، سوئیفت می‌تواند به صلاحدید خود عضویت کاربر را تعلیق یا سلب کند. در اسناد دیگری نیز به ضرورت مشمول تحریم نبودن به عنوان یکی از تعهدات طرف قراردادی سوئیفت اشاره شده است؛^۳ بنابراین در اسناد اخیر سوئیفت، دامنه قطع ارائه خدمات به جهت تحریم، به تحریم‌های آمریکا نیز گسترش یافته است، در حالی که از جنبه حقوقی محض، سوئیفت به جهت استقرار در بلژیک، تکلیفی به رعایت این تحریم‌ها ندارد، مگر در مورد خدماتی که به طریقی با اشخاص آمریکایی مرتبط باشند که در این صورت تحت تحریم‌های اصلی یا اولیه آمریکا قرار گرفته و از این جهت ارائه خدمات به بانک‌های مشمول تحریم ممنوع است. با اشتراط این شرط در صورت مشمول

۱. به‌عنوان مثال در بند ۳.۲ این سند مقرر گردیده: «با وجود ارزیابی واجد شرایط بودن و پذیرش به‌عنوان عضو سوئیفت که در زیر آمده، سوئیفت این حق را نیز دارد که اگر بر مبنای تفسیر متعارف سوئیفت یکی از موارد زیر وجود داشته باشد تقاضای عضویت را رد کند یا عضویت در سوئیفت را پایان دهد: ۱. دسترسی یا استفاده از خدمات و محصولات سوئیفت از سوی متقاضی یا عضو سوئیفت به‌نحو قابل توجهی امنیت، قابل اعتماد بودن، انعطاف‌پذیری و به‌طور کلی اعتبار، نام تجاری یا خوش‌نامی سوئیفت را مخدوش نماید؛ یا ۲. متقاضی یا عضو سوئیفت: الف. مرتکب اعمالی شود که مطابق با اصول پذیرفته‌شده تجاری نباشد؛ ب. مشمول مقرراتی شود که عضویت وی در سوئیفت را متأثر نماید؛ ج. قوانین و مقررات حاکمه را رعایت ننماید؛ د. وضعیت تجاری، قانونی یا جغرافیایی آن با شرایط مقرر برای استفاده از خدمات یا محصولات سوئیفت بر اساس دسته‌کاربری سوئیفت که متقاضی حضور در آن یا جزء آن است، مطابق نباشد...». روشن است که دامنه این شروط بسیار گسترده است و شامل تحریم‌هایی که سوئیفت به‌عنوان قانون، ناگزیر از اجرای آنها باشد نیز می‌گردند.

2. Swift Corporate Rules of 2020

۳. در بند ۱۲-۱ شروط و قیود مشاوره سوئیفت (SWIFT Consulting Terms and Conditions) تصریح شده است: «تأمین و مشاوره این خدمات ممکن است موضوع کنترل صادرات با تحریم‌ها یا دیگر محدودیت‌های قانونی باشد. از طریق سفارش خدمات مشاوره سوئیفت شما تضمین می‌کنید که نه شما و نه اشخاصی که سوئیفت این خدمات مشاوره را به آنها ارائه خواهد نمود، مشمول تحریم‌های اتحادیه اروپا با آمریکا (یا شهروند کشورهای تحت تحریم اتحادیه اروپا با برنامه تحریم‌های آمریکا) نیستند که ارائه این خدمات مشاوره را به شما تابع محدودیت نماید.»

تحریم‌های آمریکا به کشوری، قطع ارائه خدمات بر مبنای قرارداد و توافق طرفین است و بنابراین نمی‌تواند موجبی برای ارائه شکایت علیه سوئیفت باشد.^۱

آمریکا در سال ۱۹۷۷ قانون اختیارات اضطراری اقتصادی بین‌المللی^۲ را تصویب کرد که بر اساس آن رئیس جمهور اختیار داشت دستورات اجرایی برای توقیف معاملات تجاری خاص یا توقیف دارایی‌ها در پاسخ به هرگونه تهدید نسبت به امنیت ملی، سیاست خارجی یا اقتصاد آمریکا صادر کند. دستورات اجرایی که از منع سرمایه‌گذاری آمریکا در بخش انرژی ایران تا توقیف دارایی‌ها و منع معاملات آمریکایی‌ها با نهادهایی که از تروریسم بین‌المللی حمایت می‌کنند را شامل می‌گردند.^۳ این قانون بدون امکان اعمال وسیع برای آن - حداقل نسبت به بانک‌های خارجی و به‌ویژه نسبت به سوئیفت - کارایی چندانی نداشت؛ بنابراین گستره صلاحیت آن به سه طریق وسعت یافت: اول اینکه، شهروندان آمریکا را در هر نقطه از جهان و ساکنین آمریکا نیز تابع قانون محسوب می‌شدند، دوم اینکه اشخاصی که مسبب نقض مقررات این قانون بوده، یا تلاش یا توطئه‌چینی برای نقض نمایندند، همچون مباحثان نقض، مسئولیت دارند؛ سوم اینکه مؤسسه‌های غیر آمریکایی نیز نباید مقررات این قانون را نقض نمایند. اگر اشخاصی که مشمول مقررات اداره کنترل دارایی‌های خارجی نیستند، عامدانه یا غیرعامدانه مسبب نقض چنین مقرراتی توسط اشخاص مشمول گردند، مشمول مجازات‌های موضوع قانون مذکور قرار می‌گیرند. اداره کنترل دارایی‌های خارجی^۴، شعب بانک‌های خارجی در آمریکا را مکلف می‌کند که همه دارایی‌های تحت تصرف آنها که کشورها، اشخاص یا مؤسسه‌های مشمول تحریم منافی در آنها دارند را توقیف و به اداره یادشده گزارش دهند. این موارد شامل دارایی‌های آمریکایی‌ها در خارج نیز می‌گردد.

۱. منصوری رضی، ایوب، (۱۳۹۸). رژیم حقوقی حاکم بر سوئیفت، تهران: شهر دانش، چاپ اول (۱۳۹۸)، ص ۱۳۶.

2. International Emergency Economic Powers Act

۳. این قانون مسئولیت‌هایی برای نقض مقررات تحریم بر مبنای تئوری مسئولیت محض را مقرر می‌دارد. به عبارت دیگر صرف نادیده گرفتن تحریم‌ها موجب مجازات خواهد بود و اثبات تقصیر لازم نیست و حتی اثبات بی‌تقصیری شخص ناقض نیز موجب براءت وی نمی‌شود. البته در عمل، اداره کنترل دارایی‌های خارجی نقض غیرعامدانه تحریم‌ها را مجازات نمی‌نماید.

4. The Office of Foreign Assets Control (OFAC)

اشخاص صرفاً به دلیل انجام اعمال ناقص قانون در خارج از قلمروی آمریکا از شمول این قانون مستثنی نمی‌گردند، بلکه اگر حداقل بخشی از اجزای فیزیکی دارایی آنها نظیر تجهیزات کامپیوتری یا وجه نقد، در آمریکا واقع باشد یا ذخیره شده باشد، مشمول قانون قرار می‌گیرند؛ بنابراین و در این چهارچوب خدماتی از سوئیفت که با همکاری اشخاص حقیقی یا حقوقی آمریکایی ارائه می‌گردیدند، قابل ارائه به مؤسسات مالی ایرانی نبودند.

مورد دیگری از تحریم‌ها تصویب قانون تحریم‌های ایران^۱ در سال ۱۹۹۶ به بهانه تلاش ایران برای دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای بود. این قانون در سال ۲۰۱۲ مورد اصلاح قرار گرفت و روابط بانکی بین‌المللی ایران را نیز محدود کرد. قانون اصلاحی ۲۰۱۲ به نحو چشم‌گیری دامنه تحریم‌ها را گسترش داد. در نهایت به منظور قطع کامل ارتباط ایران با سیستم بانکی آمریکا، اداره خزانه‌داری در سال ۲۰۰۸ بانک‌های آمریکایی را از انجام هرگونه مبادله که به صورت غیرمستقیم به ایرانی‌ها مربوط می‌گردید، منع نمود. پیش از آن بانک‌های آمریکایی مجاز بودند که معاملاتی که توسط ایرانی‌ها در خارج انجام می‌شد و برای انتقال دلار وارد آمریکا می‌گردید را انجام دهند، اما پس از وضع این مقررات بانک‌های آمریکایی مکلف بودند که پیام‌های انتقال وجه را بررسی نمایند و چنانچه منشأ دارایی، بانک‌های ایرانی بودند، آن را توقیف نمایند؛^۲ بنابراین هرچند ممکن است تحریم‌های آمریکایی سوئیفت را مستقیماً متأثر ننماید، اما اثری انکارناپذیر بر روابط کارگزاری بانک‌های کشورهای مختلف با یکدیگر دارد.

اما مهم‌ترین تحریم‌ها از سوی شورای امنیت سازمان ملل و به تبع آن اتحادیه اروپا وضع شدند. مصوبات شماره ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و ۱۹۲۹ سازمان ملل در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ تا

1. Iran sanctions act of 1996

۲. بر همین اساس بانک استاندارد چارتر (Standard chartered bank) متهم شد که کدهای پیام‌ها را تغییر می‌داده به نحوی که منشأ ایرانی وجه معلوم نشود و بدین طریق تحریم‌ها را نقض نموده و بانک در نهایت محکوم به پرداخت جریمه گردید.

Xian, Kristile, "The price of justice: deferred prosecution agreements in at of Iranian sanctions", *Notre Dame Journal of Law, Ethics & Public Policy*, vol. 28 (2014), pp.664-831..

۲۰۱۰ تحریم‌هایی را علیه ایران وضع کردند. شورای اروپایی ابتدا در فوریه سال ۲۰۰۷ از طریق مصوبه شماره ۱۴۰ و سپس از طریق مصوبه ۴۲۳ تحریم‌هایی را علیه اشخاص دخیل در برنامه هسته‌ای ایران ارائه نمود. در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲ نیز شورای امنیت سازمان ملل تحریم‌های بیشتری علیه ایران وضع نمود و در ادامه بانک مرکزی ایران نیز مشمول تحریم‌های اتحادیه اروپا واقع گردید^۳ و ارتباط سوئیفتی آن قطع گردید. سوئیفت با صدور بیانیه‌ای در سایت خود در تاریخ ۱۵ مارس سال ۲۰۱۲ اظهار داشت که تصمیم شورای اروپایی که توسط خزانه‌داری بلژیک تأیید شده است، آن را از ادامه ارائه خدمات مالی به بانک‌های ایرانی مشمول تحریم‌های اتحادیه اروپا منع می‌کند. بر این اساس ارتباط سوئیفتی از تاریخ ۱۷ مارس سال ۲۰۱۲ برای بانک‌های مشمول تحریم قطع شد. با تحریم و قطع ارتباط سوئیفت، بانک‌های ایرانی متحمل خسارت‌های فراوانی گردیدند. سوئیفت نیز این اقدام خود را در اجرای مقررات اتحادیه اروپایی توجیه کرد.^۴ در نتیجه با توجه به وضعیت انحصاری به سود سوئیفت، هرچند راهکارهای جایگزینی برای سوئیفت وجود دارد، از جمله راهکارهای پیمان پولی دوجانبه و سواپ ارزی و پیوستن به سیستم مالی چین و روسیه^۵، اما هیچ‌یک کارایی استفاده از سوئیفت را به همراه نخواهد داشت و البته روش‌های جدیدی که با استفاده از ارزهای دیجیتال مطرح شده است^۶ نیز هنوز نتیجه قطعی ارائه نداده است.

1. CFSP/140/2007

2. Council Regulation (EC) No 423/2007

3. (EU) No 267/2012 of 23 March 2012

۴. البته دعوای بانک‌های ایرانی به طرفیت دولت بلژیک به‌عنوان سرمایه‌گذار خارجی در این کشور در قالب سهام‌دار یک شرکت بلژیکی (سوئیفت) قابل طرح است که چالش‌های مختص به خود را دارد.

۵. برای مطالعه این راهکارها مراجعه شود به:

امانی جونقانی، الهام، باستانی فر، ایمان و حیدری خوراسگانی، محمدرضا، «رتبه‌بندی راهکارهای جایگزین سوئیفت در محیط تحریم (مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران)»، پیشین.

۶. برای توضیحات بیشتر در این خصوص رجوع کنید به:

Aggarwal, Vinod K., and Tim Marple. "Digital Currency Wars? US-China Competition and Economic Statecraft". *Global Asia* 15.4 (2020): 78-85.

اعمال مقررات بخشی

در نظام‌های مختلف، دولت‌ها بر اساس انگیزه‌های گوناگون نظیر محدود کردن قدرت اقتصادی یک بنگاه، تأمین منافع بنگاه خاص و یا حتی به منظور بهره‌برداری سیاسی، اقدام به تنظیم مقررات می‌کنند. یکی از روش‌های نیل به این هدف، نهادهای عمومی تنظیم‌کننده مقررات بخشی، جهت ارائه خدمات عمومی مطمئن و مستمر به شهروندان، حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران و همچنین انتظام هرچه مطلوب‌تر نحوه تعاملات بازیگران بازارهای مورد نظر است.^۱ وجه بارز شناخت مقررات بخشی در انحصار این مقررات در نابازار و بخش‌های متشکل دانست. از این‌رو این مهم ممیزه اصلی بازارهای رقابت‌ناپذیر محسوب می‌شود که دولت با عنوان «تنظیم‌کننده» وارد می‌شود. هدف نهادهای تنظیم‌کننده بخشی و سیستم‌های تنظیم اقتصادی در این حالت، تنظیم فعالیت انحصارهای طبیعی به‌ویژه صنایع و خدمات عام‌المنفعه جهت حمایت از منافع مصرف‌کنندگان و ارتقا کارایی است. البته بدین‌منظور روش‌های دیگری نیز مطرح شده است که در تجربیات سایر کشورها می‌توان مشاهده کرد، از جمله در آرژانتین، فیلیپین، هند، مکزیک، شیلی و روسیه که اقداماتی را جهت تنظیم وضعیت انحصار طبیعی خصوصاً در زمینه خدمات همگانی همچون خدمات ریلی و ارائه گاز و برق انجام داده‌اند. از جمله این اقدامات به خصوصی‌سازی، ایجاد رقیب، وضع قراردادهای واگذاری و لیزینگ و تنظیم قیمت می‌توان اشاره کرد.^۲ چنانچه قبلاً اشاره شد، از انحصار طبیعی با عنوان شکست بازاری یاد می‌کنند که متعاقباً باید ملاحظاتی نظیر کارایی و ملاحظات توزیعی و اخلاقی همچون انصاف در تنظیم آن در نظر گرفته شود. چنانچه در آمریکا یک کمیسیون نظارتی مستقل با کارمندان متخصص و

۱. در ایران مطابق ماده ۵۹ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اجراء سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، شورای رقابت می‌تواند در حوزه کالا یا خدمتی خاص که بازار آن مصداق انحصار طبیعی است، پیشنهاد تشکیل نهاد تنظیم‌کننده بخشی را برای تصویب به هیئت وزیران ارائه و قسمتی از وظایف و اختیارات تنظیمی خود در حوزه مزبور را به نهاد تنظیم‌کننده بخشی واگذار نماید.

۲. برای مثال رجوع کنید به:

Otobo, E. E. Privatization and regulation in Africa: Some key policy issues, *DPMN Bulletin*, Vol. V, No. 1, (1998).

مجرب در سطحی منطقی به ارزیابی قیمت و مقررات مختلف پرداخته و دارای قدرت اجرایی است.^۱ مقررات بین‌المللی نیز با اتخاذ رویکرد کاستی بازاری، ورود نهادهای تنظیمی و ضدانحصار را به همراه وضع قواعد مشخص برای تبدیل انحصار طبیعی به انحصار قانونی به‌عنوان راهکار معرفی می‌کنند.^۲ بدین ترتیب دولت با ایجاد سیستم‌های تنظیم اقتصادی، به‌نحوی اقدام به شیشه‌سازی بازار رقابتی می‌نماید و با وضع مقررات تنظیمی، انحصارهای مربوطه را مجبور می‌کند تا مانند بازار رقابتی عمل کنند.

در رابطه با مفهوم مقررات بخشی، به‌رغم این که تعریف دقیقی از آن صورت نگرفته، اما می‌توان گفت که عبارت است از تهیه و تدوین مقرراتی که به‌طور عام توسط دولت و یا به‌طور خاص توسط نهادهای تنظیم‌کننده بخشی، در حیطه فعالیت‌های مرتبط با بازاری خاص (مانند بازار بیمه یا بازار پول) صورت می‌گیرد و به‌منظور دستیابی به اهداف اجتماعی و اقتصادی مورد نظر و ازپیش تعیین‌شده صورت گرفته و به‌اجرا در می‌آیند؛ لذا منظور از تنظیم مقررات توسط نهادهای تنظیم‌کننده عبارت است از هدایت و کنترل تصمیمات بخش خصوصی در بازارهای رقابت‌ناپذیر و یا واجد ضمانت‌اجرا کردن آن مقررات از سوی دولت. برای تمییز دامنه حقوق رقابت از مقررات بخشی، ابتدا باید مشخص کرد که آیا مورد از موارد رقابت‌پذیر است یا رقابت‌ناپذیر. اگر مصداق رقابت‌پذیر بود، مشمول دایره قواعد حقوق رقابت است؛ در غیراین‌صورت مشمول مقررات بخشی خواهد بود؛ لذا با توجه به اینکه گسترش فناوری اطلاعات منجر به ایجاد یک انحصار طبیعی برای سوئیفت شده است و با عنایت به اینکه دعاوی اقامه‌شده علیه سوئیفت یا کشور بلژیک تاکنون نتیجه کافی برای ایران و سایر کشورهایی که دسترسی آنها به سوئیفت قطع شده است را در بر نداشته است، تعیین یک نهاد مقررات‌گذار بخشی برای مقابله با قطع خدمات سوئیفت، در این خصوص بهترین روش ممکن به نظر می‌رسد.

هرچند یک دیدگاه نظارتی بر این است که نظارت برعهده اشخاصی است که مالکیت نهاد مربوطه در اختیار آنهاست، یا اینکه مجموعه‌ای از قوانین و مقررات باید وضع گردد یا

1. The US Institution Of The Independent Expert Regulatory Agency.

2. UNCTAD, ITU, ICN

توسط یک یا چند نهاد دولتی باید اقدام شود، اما موضوع مهم در رابطه با نظارت بر سوئیفت این است که نهاد مزبور باید عملکرد مستقلی داشته، فرادولتی بوده، امکان نظارت و تنظیم مقررات داشته باشد. بهترین نهاد نیز جهت مقررات گذاری برای نظارت و کنترل بر سوئیفت، با توجه به اینکه مرکز نهاد مزبور در بلژیک بوده و این کشور نیز عضو اتحادیه اروپا است که در عرصه‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی از مهم‌ترین بازیگران بین‌المللی است، کمیسیون اتحادیه اروپا می‌باشد که در زمینه‌های مختلف از حوزه انرژی گرفته تا ارزش‌های دیجیتال اقدام به نظارت، تنظیم لوایح و پیشنهاد تصویب قوانین نموده و بدنه اجرایی اتحادیه اروپا نیز شناخته می‌شود و مسئول تضمین رعایت قوانین اتحادیه اروپا است؛ لذا می‌تواند با تنظیم لایحه نظارت بر شبکه پیام‌رسان سوئیفت و پیشنهاد آن به پارلمان و شورای وزیران اتحادیه اروپا، وظیفه نظارت بر سوئیفت را نیز برعهده بگیرد، همانطور که این کمیسیون در زمینه‌های مختلف از جمله مقررات عمومی حفاظت از داده اتحادیه اروپا، ارزش‌های دیجیتال، پلتفرم‌ها و شبکه‌های اجتماعی و... اقدام به تنظیم مقررات نموده است.

در حال حاضر دفاتر و نهادهای اجرایی کمیسیون اروپا در بروکسل پایتخت بلژیک و لوگزامبورگ مستقر هستند که به مقر مرکزی سوئیفت دسترسی بسیار نزدیکی خواهند داشت. به علاوه در خصوص مقررات بخشی سوابق متعددی داشته است، از جمله در زمینه پیشنهاد اصلاحات مقرراتی در حوزه توسعه پایدار^۱، حوزه سلامت^۲، اعتبار^۳ و سرمایه گذاری^۴؛ لذا تجربیات کافی در خصوص مقررات بخشی در اختیار دارد و با توجه به اینکه بازوی اجرایی اتحادیه اروپا محسوب می‌شود، اختیار عمل در جهت مقررات مربوطه خواهد داشت.

1. Proposal for a Regulation amending Regulation (EU) 2017/1601 establishing the European Fund for Sustainable Development, the EFSD Guarantee and the EFSD Guarantee Fund.

2. Proposal for an amending Regulation on specific measures addressing the COVID-19 crisis (FEAD).

3. Proposal for Omnibus Regulation amending sectoral regulations of Horizon Europe, NDICI, CAP, EAGF and EAFRD.

4. Proposal for a Regulation establishing the InvestEU Programme.

نتیجه

سوئیفت به علت پیشرفت فناوری اطلاعات با ایجاد یک زبان مشترک جهت انتقال پیام‌های مالی به یک انحصار طبیعی در شبکه بانکی بین‌المللی تبدیل گردید و به جهت مزایای فراوان خیلی سریع بر دیگر روش‌های انتقال وجه در سطح بین‌المللی تفوق یافت. در حال حاضر مهم‌ترین امتیاز سوئیفت نسبت به دیگر روش‌ها، جهان‌شمولی و اقبال زیاد مؤسسات مالی به آن است به گونه‌ای که قطع ارتباط یک بانک با سوئیفت مبادلات مالی آن بانک با بانک‌های کشورهای دیگر را بسیار دشوار می‌نماید و همین مسئله بحث انحصار سوئیفت را مطرح می‌سازد که رابطه مستقیم و متقابلی با میزان به کارگیری خدمات و محصولات آن از سوی بانک‌های سایر کشورها دارد؛ به نحوی که هرچه استقبال بیشتری از خدمات سوئیفت صورت گیرد، انحصاری بودن آن شدت می‌گیرد. این انحصار نیز سبب می‌گردد که طرف قرارداد سوئیفت نتواند واکنشی در قبال اقدامات و شرایط مضرّ به منافع خود انجام دهد، هرچند به موجب ترتیبات قراردادی حق خروج از سوئیفت را دارند، اما در عمل اعمال این حق موجب قطع ارتباط آنها با شبکه بانکی جهانی و عدم امکان مبادلات بانکی می‌گردد؛ زیرا اخذ خدماتی نظیر خدمات سوئیفت از طرق دیگر، میسر نیست و امکان ایجاد رقیبی برای سوئیفت در کوتاه‌مدت نتیجه‌ای در پی نخواهد داشت. سوئیفت در پاسخ به اعتراض بانک‌های ایرانی به قطع ارتباط آنها در دوران تحریم، استدلال کرد که این شرکت تابع قوانین بلژیک است و از آنجا که مقررات اتحادیه اروپا به جهت عضویت بلژیک در آن به‌عنوان بخشی از قوانین بلژیک محسوب می‌گردند، لذا سوئیفت معذور از ارائه خدمات به بانک‌های ایرانی است. سوئیفت جهت دفع هرگونه احتمال تفسیر اشتباه از مقررات تحریم علیه ایران، از اتحادیه اروپا نیز استعلام گرفت و این اتحادیه خدمات پیام‌رسانی را نیز مشمول تحریم‌ها قلمداد کرد. در برخی از اسناد اخیر سوئیفت، شمول تحریم‌های آمریکا بر یک کشور نیز موجبی برای قطع ارتباط بانک‌های آن کشور محسوب شده است و به همین جهت در حال حاضر که ایران تحت تحریم‌های آمریکا می‌باشد، این خدمات به بانک‌های ایرانی قابل ارائه نیست. از آنجا که قراردادهای سوئیفت به جهت انحصاری بودن خدمات آن در سطح جهان از انواع

قراردادهای الحاقی محسوب می‌گردند که بانک‌های ایرانی امکان تعدیل و تغییر شروط آن را ندارند، این مسئله در حال و آینده منشأ مشکلات متعددی خواهد شد؛ به ویژه اینکه ایجاد زیرساختی نظیر سوئیفت حتی در صورتی که مورد استقبال کشورهای دیگر که مشمول تحریم نیستند نیز قرار گیرد، مستلزم چندین سال زمان و هزینه‌های بسیار بالایی است. با عنایت به مطابقت ویژگی‌های سوئیفت با صنایع دارای انحصار طبیعی، بهترین راهکار جهت مقابله حقوقی با انحصار سوئیفت، می‌توان ورود یک نهاد مقررات‌گذار و رگولاتور همچون اتحادیه اروپا را به‌عنوان نهاد مقررات‌گذار بخشی، جهت جلوگیری از انحصار سوئیفت و تنظیم مقرراتی جهت ارائه خدمات عادلانه به همه سهام‌داران و برخورداری کشورهای عضو از حقوق مساوی دانست به شکلی که اولاً از ارائه خدمات عمومی مطمئن و مستمر توسط سوئیفت اطمینان حاصل گردد و به سمت انتظام هرچه مطلوب‌تر نحوه تعاملات بازیگران پیش رود و ثانیاً آثار سوء فعالیت انحصاری سوئیفت کاهش پیدا نماید که این امر منجر به افزایش کارایی فعالیت‌های اقتصادی و کاهش ناهنجاری‌های اقتصادی به تبع آن می‌گردد و در نهایت بازار رقابت‌ناپذیری که سوئیفت در آن حضور دارد، توسط یک نهاد رگولاتور در جهت شبیه‌سازی آن به یک بازار رقابتی و اعمال مقررات بخشی و ایجاد ضمانت‌اجرا به‌منظور جلوگیری از سوءاستفاده از انحصار سوئیفت اقدام نماید.

منابع

فارسی

- امانی جونقانی، الهام، باستانی‌فر، ایمان و حیدری خوراسگانی، محمدرضا، «رتبه‌بندی راهکارهای جایگزین سوئیفت در محیط تحریم (مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران)»، *راهبرد اقتصادی*، سال دهم، ش ۳۷ (۱۴۰۰).
- عزیزی محمود، شریفیان، جمشید، «بایسته‌های سوئیفت و آسیب‌شناسی آن در حقوق تجارت ایران در پرتو تحریم»، *پژوهش و مطالعات علوم اسلامی*، سال دوم، ش ۱۶ (۱۳۹۹).
- مستقیمی، بهرام، «فناوری اطلاعات و حاکمیت»، *دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، ش ۷۱ (بهار ۱۳۸۵).
- منصوری رضی، ایوب، *رژیم حقوقی حاکم بر سوئیفت*، چاپ اول (تهران: شهر دانش، ۱۳۹۸).

References

- Aggarwal, V. K., & Marple, T., Digital Currency Wars? US-China Competition and Economic Statecraft. *Global Asia*, Vol. 15, No.4 (2020).
- B. Depoorter, "Regulation of natural monopoly," in Encyclopedia of law and economics, B. Bouckaert and G. De Geest, Eds. Cheltenham: Edward Elgar, (2000).
- Carlton, D., Perloff, J. *Modern Industrial Organization*, (Boston: Addison-Wesley, 4th edn. 2004).
- Cronberg, tarja, *Nuclear multilateralism and Iran: Inside EU Negotiation*, (New York: Routledge publishing, 2017).
- DE Busser, Els, *Reloading Data Protection: Multidisciplinary Insight and Contemporary Challenges: Privatization of Information and the Data Protection Reform*, (Dordrecht: Springe, 2014).
- De Goede, Marieke, "The SWIFT Affair and the Global Politics of European Security", *JCMS*, Vol.50, No.2 (2012).
- Hadi. Ashkan, Paulus Aluk Fadjar Dwi Santo, "Natural monopoly or monopoly by law for state owned enterprises", *E3S Web of Conferences*, Vol.426, EDP Sciences, (2023).

- IAN J Lloyd, *Information Technology Law*, (oxford, Oxford University Press, 2014).
- Koppel, Johannes, *The Swift Affairs: Swiss Banking Secrecy and the Fight against Terrorist Financing*, (Geneve: Graduate Institute Publication, 2011).
- Korolchyk. B, "The Paperless Letter of Credit and Related Documents of tile Law and Contemporary Problems", *Technology and Commercial Law*, Vol.55, No.3 (1992).
- Mackenzie, Alex, *The External dimension of European Home Land Security, European Homeland Security, A European Strategy in the Making?* (oxfordshire: Routledge ,2012).
- Micklitz, Hans-W et al, *Risk an EU Law*, (UK: Edward Elgar Publishing, 2015).
- Mosca, Manuela. "On the origins of the concept of natural monopoly: Economies of scale and competition." *The European Journal of the History of Economic Thought*. Vol.15, no. 2 (2008).
- Otobo, E. E. Privatization and regulation in Africa:Some key policy issues, *DPMN Bulletin*, Vol.V, No. 1, (1998).
- Peters, Anne et al, *Non-State Actors as Standard Setters*, (UK: Cambridge University Press, 2009).
- Posner R.A, "Natural monopoly and its regulation", *Stanford law Review*, No.22 (1969).
- Ridley, Nick, *Terrorism Financing, the Failure of Counter Measures*, (Cheltenham: Edward Elgar Publishing, 2012).
- Van Wasshnova, Matthew, "Data Protection Conflicts between the United States and the European Union in the War on Terror: Lessons Learned from the Existing System of Financial Information Exchange, Case Western Reserve", *Journal of International Law*, vol.39, issue 3 (2008).
- Wesseling, Mara et al, "Data War beyond Surveillance Opening Black Box of Swift", *Journal of Cultural Economy*, vol.5, No.1 (2012).
- White, Lawrence J, "Market Definition in Monopolization Cases: A paradigm Is Missing", *Law and Economics Research Paper*, No.05 (2005).
- Xian, Kristile, "The price of justice: deferred prosecution agreements in at of Iranian sanctions", *Notre Dame Journal of Law, Ethics & Public Policy*, vol. 28 (2014).

Translated References into English

- Amani Junqani, Elham, Bastani Far, Iman and Heydari Khorasgani, Mohammad Reza, "Ranking of SWIFT Alternative Solutions in

Sanction Environment (Case Study: Islamic Republic of Iran)",
Economic Strategy, Year 10, No. 37 (1400). [In persian]

Azizi Mahmoud, Sharifian, Jamshid, "Swift's principles and its pathology in
Iran's commercial law in the light of sanctions", Research and Studies
of Islamic Sciences, Vol. 16 (2019). [In persian]

Tashimiri, Bahram, (1385). "Information Technology and Governance",
Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran, Year 2,
No. 71 (Spring 2016). [In persian]

Mansouri Razi, Ayoub, the legal regime governing Swift, first edition,
(Tehran: Shahr Danesh, first edition 2018). [In persian]

استناد به این مقاله: باقری، محمود؛ رحمانی، سعید، افشاری فرد، یاسمین. (۱۴۰۲). انحصار طبیعی ناشی از

فناوری اطلاعات در شبکه بانکی بین‌المللی، پژوهش حقوق خصوصی، ۱۲(۴۵): ۱۷۷-۲۰۵. doi:

10.22054/jplr.2024.73741.2747



Private Law Research is licensed under a Creative Commons
Attribution-NonCommercial 4.0 International License.